

یمن؛ آخرین دریچه تنفس ایران در منطقه!



نویسندگان:

علیرضا کاظمی رنانی

گزارش راهبردی ●



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خداي زركه بخشايش بهر چه شاييد

شناسنامه اثر

عنوان اثر: یمن؛ آخرین دریچه تنفس ایران در آینده منطقه

نویسندگان: علیرضا کاظمی رنانی

تهیه شده در: اندیشکده راهبردی امید

طراحی جلد و صفحه آرایی: حسین احمدی - محمد صالح احمدزاده

قیمت: رایگان

نشانی: خیابان کریمخان زند، نبش عضدی شمالی، ساختمان سابق معاونت

فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی، اندیشکده راهبردی امید

فهرست مطالب

- ۶ | خلاصه سیاستی
- ۸ | مقدمه
- ۱۲ | یمن؛ از بازیچه قدرت‌ها به بازیگر منطقه‌ای
- ۱۸ | دشمنان انصارالله؛ استراتژی‌های چندگانه برای تغییر موازنه
- ۲۴ | ایران و نظام سیاسی یمن؛ ساتمرار وضع موجود یا تغییر رویه
- ۲۶ | همکاری ایران و چین در یمن؛ گامی برای تاسیس ژئوپلیتیک آینده منطقه
- ۳۱ | نتیجه‌گیری

خلاصه سیاستی

یمن به دلیل موقعیت استراتژیک خود در تنگه باب‌المندب و نقش جنبش انصارالله در محور مقاومت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقاط برای سیاست منطقه‌ای ایران و محور مقاومت محسوب می‌شود. انصارالله با حملات موفق موشکی و پهپادی به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل در دریای سرخ و مقاومت در برابر حملات آمریکا و اسرائیل، توانایی خود را به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای نشان داده است. پس از عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳ و تشدید تنش‌ها بین محور مقاومت و ائتلاف غربی-عبری، ادامه سیاست‌های منفعلانه در یمن می‌تواند این کشور را در معرض خطرات بسیار زیاد و غیر قابل جبرانی قرار دهد. این شرایط، ضرورت بازنگری در سیاست‌های ایران و اتخاذ رویکردی فعال‌تر برای تقویت جایگاه یمن و انصارالله را برجسته می‌کند.

وضعیت سیاسی-اقتصادی یمن در سال ۲۰۲۵ همچنان بحرانی است. کشور بین دو دولت تقسیم شده: صنعا تحت کنترل انصارالله و عدن به رهبری شورای ریاست جمهوری با حمایت عربستان و امارات. اقتصاد یمن با سقوط ارزش ریال، تورم بالا و کمبود غذا، سوخت و دارو در وضعیت فاجعه‌بار قرار دارد. بیش از ۸۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۱۹.۵ میلیون نفر به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. تحریم‌ها و مسدود شدن صادرات نفت، اقتصاد هر دو منطقه را فلج کرده است. صنعا با مدیریت متمرکز ثبات نسبی دارد، اما عدن با تورم شدید و بحران انرژی (قطع برق ۷۰ درصدی در ۲۰۲۵) مواجه است.

دشمنان انصارالله، شامل آمریکا، اسرائیل، عربستان، امارات و گروه‌های داخلی مانند شورای انتقالی جنوب و حزب الإصلاح، با استراتژی‌های چندلایه به دنبال تضعیف این جنبش هستند. آمریکا با تحریم‌های بانکی، قطع دسترسی به شبکه سوئیفت و حملات هوایی (مانند حملات ژانویه ۲۰۲۵) فشار اقتصادی و نظامی وارد می‌کند. اسرائیل با حملات هدفمند، مانند ترور نخست‌وزیر دولت نجات ملی در آگوست ۲۰۲۵، ساختار انصارالله را هدف قرار داده است. عربستان و امارات از طریق محاصره اقتصادی، حمایت از گروه‌های جدایی طلب جنوب و عملیات نظامی (مانند حملات هوایی سعودی در ژانویه ۲۰۲۵) به تقابل با انصارالله ادامه می‌دهند، هرچند رقابت داخلی میان آن‌ها و آتش بس شکننده مانع هماهنگی کامل شده است.

همکاری استراتژیک با چین برای دولت‌سازی به محوریت انصارالله در یمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چین، با توجه به رقابت با آمریکا، شکاف فزاینده در روابط خود با اسرائیل و نگرانی از نفوذ کریدور آیمک (هند-امارات-عربستان-اردن-اسرائیل-اروپا)، انگیزه‌های قوی برای حمایت از انصارالله و ایران دارد. ایران می‌تواند با جلب سرمایه‌گذاری چینی در بنادر یمن، مانند الحدیده، و ایجاد محور

استراتژیک چین-پاکستان-ایران-یمن-مصر-آفریقا، نفوذ اقتصادی و سیاسی ائتلاف رقیب را خنثی کند. این محور، دسترسی چین به آفریقا و دریای مدیترانه را تضمین کرده و یمن را به هاب تجاری منطقه‌ای تبدیل می‌کند. بازسازی زیرساخت‌های یمن، از جمله بنادر، جاده‌ها و شبکه‌های انرژی، با همکاری چین، اقتصاد این کشور را تقویت خواهد کرد.

حمایت نظامی و مستشاری از انصارالله نیز باید گسترش یابد. تقویت سامانه‌های پدافندی، موشکی و پهپادی، همراه با آموزش‌های پیشرفته و انتقال فناوری، توان جنگ نامتقارن انصارالله را افزایش می‌دهد. توسعه توان دریایی این جنبش در خلیج عدن و دریای سرخ، به‌ویژه از طریق تأمین قایق‌های بدون سرنشین و موشک‌های کروز ضدکشتی، کنترل تنگه باب‌المندب را تضمین می‌کند. این اقدامات، انصارالله را در برابر حملات ائتلاف غربی-عبری-عربی مقاوم‌تر کرده و جایگاه ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تقویت می‌کند.

برای مقابله با انزوای بین‌المللی یمن، ایران باید کمپین‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک را برای تبیین مشروعیت دولت نجات ملی و محکومیت تحریم‌های غیرانسانی علیه یمن راه‌اندازی کند. افزایش پروازهای بین‌المللی از فرودگاه صنعا و ایجاد مسیرهای تجاری جدید با همکاری چین و عمان، انزوای یمن را کاهش می‌دهد. این اقدامات، همراه با حمایت از بازسازی اقتصادی و سیاسی یمن، انصارالله را به بازیگری کلیدی در معادلات منطقه‌ای تبدیل کرده و فشارهای اقتصادی و نظامی بر ایران و یمن را کاهش می‌دهد.

مقدمه

منطقه غرب آسیا وارد مرحله‌ای نوین و سرنوشت‌ساز از تاریخ خود شده است. دو سال پس از عملیات طوفان الاقصی، سطح تنش‌ها بین محور مقاومت در برابر محور اسرائیلی-آمریکایی به حدی رسیده است که فقط شکست کامل یکی از طرفین می‌تواند به این منازعه پایان دهد. محور مقاومت، با وجود تحمیل خسارات جدی به دشمن، ضربات سنگینی متحمل شده و در شرایط دشواری به سر می‌برد. دولت بشار اسد در سوریه سقوط کرده و حزب‌الله لبنان با شهادت رهبران برجسته خود، از جمله سید حسن نصرالله و شیخ هاشم صفی‌الدین، مواجه شده است و اکنون بحث خلع سلاح حزب‌الله و درگیری‌های داخلی در لبنان شدت گرفته است. کابینه اسرائیل با تصویب طرح اشغال کامل غزه و حمله هوایی به قطر نشان داد که به هیچ وجه از خواست خود مبنی بر نابودی حماس کوتاه نخواهد آمد. گروه‌های مقاومت در عراق نیز در معرض حملات قریب‌الوقوع و ترور از سوی دشمن غربی قرار دارند. ایران نیز در جریان جنگ ۱۲ روزه، تعداد زیادی از فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای و غیرنظامیان خود را از دست داده و برخی تأسیسات کلیدی‌اش، از جمله مراکز هسته‌ای نطنز، فوردو و اصفهان و چند سایت موشکی، آسیب دیده‌اند. در این شرایط، تغییر در سیاست و رویکردهای فعلی امری ضروری به نظر می‌رسد.

تداوم سیاست‌های موجود، مانند سیاست حسن همجواری یا واکنش‌های محافظه‌کارانه به تهدیدات منطقه‌ای نظیر مسئله خلع سلاح حزب‌الله، آینده فلسطین، تحت فشار قرار گرفتن گروه‌های مقاومت در عراق، پیمان ابراهیم و عادی‌سازی کشورهای عربی با اسرائیل دیگر به سود ایران و محور مقاومت نیست. این شرایط، نیاز فوری به بازنگری اساسی در سیاست‌های اجرایی و اعلامی جمهوری اسلامی ایران را برجسته می‌کند. در این میان، انصارالله یمن، یکی از جنبش‌هایی است که می‌توان به وسیله آن صحنه‌آرایی دشمن برای آینده منطقه را تغییر داد.

جنبش انصارالله یمن، به عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در سال‌های اخیر، نقش مهمی در معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه ایفا می‌کند. پشتیبانی تهران از انصارالله، به‌ویژه پس از طوفان الاقصی، یکی از ستون‌های اصلی مقاومت در برابر نفوذ آمریکا، اسرائیل، عربستان و امارات بوده است. با این حال، افزایش حملات ائتلاف عربی به رهبری عربستان با حمایت آمریکا و انفعال در قبال یمن، لزوم بازاندیشی در رویکرد سیاست‌های اتخاذی جمهوری اسلامی به این کشور را نشان می‌دهد. ادامه رویکردهای محتاطانه در یمن می‌تواند محور مقاومت را با خطر فروپاشی مواجه و این کشور را به پاشنه آشیل جبهه مقاومت تبدیل کند، در حالی که اصلاح رویکردها و سیاست‌های موجود در یمن می‌تواند به ابزاری برای مقابله با فشارهای آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی تبدیل شود.

طرح مسئله :

طوفان الاقصی و درگیری ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل نشان داد که تقابل این دو کشور از یک منازعه منطقه‌ای معمولی فراتر رفته و به یک جنگ وجودی تبدیل شده است که تنها با شکست و فروپاشی کامل یکی از طرفین پایان می‌یابد. ایالات متحده در این کارزار موضعی آشکار دارد و با تمام توان در کنار اسرائیل ایستاده، منافع آن را نمایندگی می‌کند و برای حذف تهدیداتی که به زعم خود از سوی جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌شود، تلاش می‌کند.

در شرایط کنونی، مذاکره دیگر به عنوان تنها راه حل برای رفع اختلافات میان ایران، آمریکا و اسرائیل معنایی ندارد. کارشناسان، تصمیم‌گیران و سیاستمداران آمریکایی و اسرائیلی به این باور رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران به دلیل مشکلات داخلی و خارجی به شدت تضعیف شده و بدون نیاز به امتیازدهی در مذاکرات، می‌توان از طریق تحریم‌های گسترده و فعال سازی مکانیسم ماشه، فشار حداکثری و حتی اقدامات نظامی به اهداف مورد نظر دست یافت. با این حال، برخی تحلیلگران ایرانی با این باور خام که می‌توان از طریق ایجاد اختلاف میان آمریکا و اسرائیل به نتایج مطلوب رسید، به بیراهه می‌روند. واقعیت‌های سیاسی نشان می‌دهند که جدایی میان آمریکا و اسرائیل عملاً غیرممکن است. نقش لابی قدرتمند اسرائیل در شکل دهی سیاست خارجی آمریکا نیز غیرقابل انکار است. جان مرشایمر، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، تأکید می‌کند که لابی اسرائیل سیاست خارجی آمریکا را به گونه‌ای هدایت می‌کند که منافع اسرائیل و آمریکا هم‌راستا دیده شوند. به گفته استفن والت، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد، این لابی با کنترل گفتمان سیاسی و رسانه‌ای، هرگونه انتقاد از این همسویی را با اتهاماتی مانند یهودستیزی خنثی می‌کند. سازمان‌هایی مانند کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل (آیپک) و حامیان مالی یهودی، مسیحیان انجیلی و گروه‌های سکولار، با بهره‌گیری از نفوذ مالی و رسانه‌ای، سیاست خارجی آمریکا را به نفع اسرائیل جهت دهی می‌کنند.

در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا، نقش این لابی در حمایت از دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب، برجسته بود. پس از توقف ارسال تسلیحات به اسرائیل توسط دولت بایدن، حامیان مالی سرسخت اسرائیل، مانند شلدون آدلسون، برنارد مارکوس و پائول سینگر، با کمک‌های کلان به کمپین ترامپ، جایگاه او را تقویت کردند. در دوره دوم ریاست جمهوری (۲۰۲۵)، ترامپ بر حمایت قاطع از اسرائیل تأکید کرده و در واکنش به درگیری‌های ژوئن ۲۰۲۵ اعلام کرد که هرگونه تلاش ایران برای غنی سازی اورانیوم با پاسخ نظامی آمریکا مواجه خواهد شد. او در دوره اول خود با خروج از برجام و اعمال تحریم‌های گسترده، خواسته‌های لابی اسرائیل را پیش برد و در دوره دوم، با حمایت از حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران و هماهنگی کامل با بنیامین نتانیاهو، این تعهد را ادامه داد. انتصاب افرادی مانند مایک هاکی، چهره مخالف تشکیل دولت فلسطینی و حامی الحاق کرانه باختری، و استیون ویتکاف

یهودی به عنوان نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه، نشان دهنده همسویی کامل دولت او با سیاست های نتانیاهاو است. به گفته نتانیاهاو، هیچ رئیس جمهوری در آمریکا به اندازه ترامپ با منافع اسرائیل هم راستا نبوده است. حضور چهره هایی مانند پیت هگزث (وزیر دفاع) و مارکو روبیو (وزیر امور خارجه) نیز سیاست های تهاجمی تر دولت دوم ترامپ را تقویت کرده است.

برخی گمانه زنی ها حاکی از آن است که لابی اسرائیل ممکن است از ابزارهایی مانند پرونده جفری اپستین برای اعمال فشار بر ترامپ و هدایت سیاست های او استفاده کرده باشد. این پرونده می تواند اهرمی برای پیشبرد منافع اسرائیل در تصمیم گیری های کاخ سفید باشد. در شرایط فعلی هم، لابی اسرائیلی ممکن است از اهرم هایی مانند پرونده جفری اپستین برای فشار بر ترامپ و هدایت سیاست های او استفاده کرده باشد. این پرونده می تواند به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ بر تصمیمات ترامپ در جهت منافع اسرائیل که همان تجزیه ایران است، به کار رود.

همسویی فزاینده کشورهای عربی با ایالات متحده در دوره دوم دونالد ترامپ، احتمال انعقاد آتش بس میان روسیه و اوکراین همراه با به رسمیت شناختن مالکیت روسیه بر بخش هایی از اوکراین، ایجاد طرح «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین المللی (TRIPP)» در منطقه قفقاز جنوبی، بن بست مذاکرات برای خلع سلاح حزب الله و احتمال بروز جنگ داخلی در لبنان و تلاش برای ناامنی در عراق همگی نشان دهنده قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در موقعیتی چالش برانگیز است.

ادامه سیاست های کنونی، مانند سیاست همسایگی یا برخورد منفعلانه با تهدیدات منطقه ای نظیر مسئله کریدور زنگزور، آینده فلسطین، پیمان ابراهیم، خلع سلاح حزب الله در لبنان، جزایر سه گانه ایرانی و همکاری با متحدان غربی مانند هند در چابهار، که پیش از طوفان الاقصی نیز با چالش هایی همراه بوده، دیگر به نفع کشور نیست. این وضعیت ضرورت بازنگری اساسی در سیاست های اعمالی و اعلامی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش آشکار می کند.

در این میان، توجه به وضعیت یمن و گروه انصارالله بیش از پیش اهمیت یافته است. یمن، به عنوان یکی از نقاط کانونی سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی در سال های اخیر، نقشی کلیدی در معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه ایفا می کند. حمایت حکومت ایران از انصارالله در یمن، به ویژه پس از طوفان الاقصی، به عنوان یکی از محورهای اصلی مقاومت در برابر نفوذ آمریکا، اسرائیل، عربستان و امارات در منطقه مطرح بوده است. با این حال، تشدید حملات ائتلاف عربی به رهبری عربستان با حمایت آمریکا و اتخاذ رویکرد منفعلانه در قبال یمن، نشان دهنده ضرورت بازنگری در رویکرد ایران به این کشور است. بی توجهی به یمن یا ادامه رویکردهای محتاطانه، می تواند این کشور را به نقطه ضعفی برای محور مقاومت تبدیل کند، در حالی که تقویت و حضور فعالانه در یمن می تواند به اهرمی برای مقابله با فشارهای آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی بدل شود.

در شرایط کنونی، همکاری و هماهنگی با چین در پرونده یمن به یکی از کلیدی‌ترین ابزارها برای تقویت حضور ایران در این کشور و پیشبرد هدف تبدیل انصارالله به دولت واحد یمن تبدیل شده است. با توجه به همسویی دولت‌های پادشاهی عربی با سیاست‌های دونالد ترامپ، شکل‌گیری کریدور آیمک، پیمان ابراهیم، و شکاف فزاینده میان اسرائیل و چین، به دلیل هم‌راستایی کامل اسرائیل با آمریکا، چین برای تأمین امنیت انرژی، حفظ دسترسی دریایی به آفریقا و کاهش تهدیدات امنیتی در مرزهای خود انگیزه‌های قوی دارد. این عوامل می‌توانند زمینه‌ساز همسویی ایران و چین در موضوع دولت‌سازی در یمن شوند. در گزارش پیش رو ابعاد مختلف این مسئله مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱. یمن؛ از بازیچه قدرت‌ها به بازیگر منطقه‌ای

• تاریخی که بر یمن گذشت

یمن، کشوری با موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر در جنوب غربی شبه جزیره عربستان، به دلیل قرار گرفتن در مجاورت دریای سرخ، خلیج عدن و اقیانوس هند، از اهمیت راهبردی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این موقعیت استراتژیک، یمن را به یکی از کلیدی‌ترین نقاط جهان برای تجارت و امنیت بین‌المللی تبدیل کرده است. تنگه باب‌المندب، که در کنترل یمن قرار دارد، یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی جهان است و حدود ۱۲ درصد از تجارت جهانی، به‌ویژه انتقال نفت و گاز از خلیج فارس به اروپا و آمریکا، از این تنگه عبور می‌کند. این تنگه به‌عنوان پلی بین اقیانوس هند، دریای سرخ و کانال سوئز عمل می‌کند و هرگونه اختلال در آن می‌تواند بازارهای جهانی انرژی را متزلزل کند. نزدیکی یمن به شاخ آفریقا، به‌ویژه جیبوتی و سومالی، و همسایگی با عربستان سعودی، قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی چون عربستان، ایالات متحده و حتی چین را به رقابت برای نفوذ در این منطقه کشانده است. این موقعیت جغرافیایی نه‌تنها یمن را به یک مرکز تجاری تاریخی تبدیل کرده، بلکه آن را به صحنه‌ای برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی و نظامی در قرن بیست‌ویکم بدل کرده است.

تاریخ یمن، گواهی بر اهمیت این سرزمین در طول قرن‌ها است. در قرون وسطی، یمن تحت تأثیر امپراتوری‌های اسلامی و سپس عثمانی و بریتانیا قرار گرفت. در قرن بیستم، یمن به دو بخش شمالی (جمهوری عربی یمن) و جنوبی (جمهوری دموکراتیک خلق یمن) تقسیم شد که اولی تحت نفوذ غرب و کشورهای پادشاهی خلیج فارس و دومی تحت حمایت شوروی بود. اتحاد این دو بخش در سال ۱۹۹۰ به تشکیل جمهوری یمن منجر شد. پس از اتحاد، صالح به عنوان رئیس‌جمهور یمن متحد انتخاب شد.

در سال ۲۰۱۱، بهار عربی اعتراضات گسترده‌ای را علیه علی عبدالله صالح برانگیخت که به دلیل بیکاری، شرایط اقتصادی، فساد و پیشنهاد تغییرات سیاسی برای وراثت قدرت به پسرش، احمد علی عبدالله صالح، شکل گرفت و خشونت افزایش یافت. با کشته شدن بیش از ۵۰ نفر توسط تک‌تیراندازان پلیس در مارس و ده‌ها نفر در درگیری‌های خیابانی، صالح وادار به امضای طرح شورای همکاری خلیج فارس در نوامبر ۲۰۱۱ شد که قدرت را به معاونش، عبدربه منصور هادی، منتقل می‌کرد و به او مصونیت اعطا می‌شد. هادی در فوریه ۲۰۱۲ در انتخابات بدون رقیب پیروز شد و دولت وحدت ملی تشکیل را داد اما این تحولات به جای ثبات یمن را به سوی یک جنگ داخلی سوق داد. با گسترش اعتراضات در سال ۲۰۱۴ و افزایش نارضایتی عمومی از سیاست‌های هادی، مانند کاهش یارانه سوخت مردم بار دیگر برای احقاق حق خود به خیابان‌ها آمدند. این دور از اعتراضات زمینه‌ساز ظهور جنبش انصارالله به عنوان

یک قدرت شد. انصارالله در دهه ۱۹۹۰ توسط حسین بدرالدین حوثی در استان صعدة تأسیس شد تا از هویت مذهبی و فرهنگی زیدی‌ها در برابر نفوذ وهابیت عربستان و سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت مرکزی یمن دفاع کند. این جنبش خود را حامی محرومان، به‌ویژه در مناطق شمالی یمن، معرفی می‌کند و ترکیبی از ملی‌گرایی یمنی، مخالفت با امپریالیسم و صهیونیسم را در ایدئولوژی خود دنبال می‌کند. شعار شناخته‌شده این گروه، «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهودیان، پیروزی از آن اسلام است»، بیانگر رویکرد خصمانه آن نسبت به قدرت‌های غربی و اسرائیل است.

انصارالله با حمایت مردم صنعا موفق شد بر هادی غلبه کرده، او را وادار به استعفا کند و زمینه را برای ایجاد یک دولت جدید هموار سازد. هادی در فوریه ۲۰۱۵ به عدن فرار کرد، استعفایش را پس گرفت و خود را رئیس‌جمهور مشروع اعلام کرد. انصارالله به سمت جنوب پیشروی کردند و در مارس ۲۰۱۵ به اطراف عدن رسیدند، که هادی را وادار به فرار به عربستان کرد. این اقدام به دخالت ائتلاف تحت رهبری عربستان در مارس ۲۰۱۵ منجر شد که با عملیات طوفان قاطع، شامل حملات هوایی و حمایت ایالات متحده، آغاز شد تا دولت هادی را بازگرداند اما به طولانی‌ترین و ویرانگرترین جنگ داخلی یمن انجامید. این جنگ، یمن را به یکی از بدترین بحران‌های انسانی جهان تبدیل کرده است، با بیش از ۴ میلیون آواره و ۲۴ میلیون نفر نیازمند کمک‌های بشردوستانه. اگرچه جنگ در سال‌های اولیه با شدت بالا ادامه یافت اما در آوریل ۲۰۲۲، تحت میانجی‌گری سازمان ملل، یک آتش‌بس سراسری برقرار شد که چندین بار تمدید گردید و منجر به کاهش درگیری‌های مستقیم بین انصارالله‌ها و ائتلاف سعودی شد. این آتش‌بس زمینه‌ساز مذاکرات مستقیم بین عربستان و انصارالله گردید، که از آوریل ۲۰۲۳ با میانجی‌گری عمان از سر گرفته شد و بر موضوعاتی مانند خروج نیروهای خارجی، پرداخت حقوق کارمندان دولتی، بازگشایی فرودگاه صنعا و بنادر کلیدی مانند حدیده، و بازسازی تمرکز داشت.

• وضعیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی کنونی یمن

در سال ۲۰۲۵ همچنان وضعیت یمن پیچیده و بحرانی است. کشور عملاً بین دو دولت تقسیم شده است: صنعا، که تحت کنترل انصارالله است و مناطق شمالی و غربی را در بر می‌گیرد و عدن، که پایگاه دولت شناخته‌شده بین‌المللی به رهبری شورای ریاست جمهوری یمن و مورد حمایت امارات و عربستان است. اقتصاد یمن در وضعیت فاجعه‌باری قرار دارد. ارزش ریال یمن به شدت سقوط کرده، تورم سرسام‌آور است و کمبود غذا، سوخت و دارو زندگی روزمره را برای میلیون‌ها نفر غیرممکن کرده است. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل، بیش از ۱۸ میلیون نفر در یمن به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند و بیش از ۸۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در مناطق تحت کنترل دولت عدن، مسدود شدن صادرات نفت توسط انصارالله، که از سال ۲۰۲۲ شدت گرفت، به کسری بودجه شدید منجر شده و دولت را در تأمین خدمات اولیه ناتوان کرده است. در صنعا، تحریم‌های بانکی و محدودیت‌های

تجاری اعمال شده توسط ائتلاف سعودی، اقتصاد محلی را فلج کرده و وابستگی به کمک‌های خارجی را افزایش داده است.

شاخص اقتصادی	دولت نجات ملی به رهبری انصارالله	دولت عدن به رهبری شورای ریاست جمهوری یمن (دولت IRG)	مقایسه و توضیح
تولید ناخالص داخلی (GDP)	انقباض کلی، اما گزارش‌ها نشان‌دهنده ثبات نسبی به دلیل کنترل متمرکز است GDP per capita از ۲۰۱۵ حدود ۵۴ درصد کاهش یافته، اما تقسیم‌بندی منطقه‌ای دقیق نیست. ^۳	انقباض شدیدتر به دلیل اختلالات تجاری و کاهش درآمدهای نفتی (بیش از ۳۰ درصد کاهش درآمدهای نفتی در ۲۰۲۳). ^۱ پیش‌بینی انقباض ۱.۵ درصدی واقعی GDP در ۲۰۲۵. ^۲	صنعا ثبات بیشتری دارد، اما عدن تحت تأثیر کاهش حمایت خارجی (مانند عربستان) و اختلالات دریای سرخ قرار گرفته است. کلی GDP یمن در ۲۰۲۴ حدود ۱ درصد انقباض داشته است.
تورم (Inflation)	در ۲۰۲۳: کاهش قیمت‌ها (deflation) به میزان -۱۱.۸ درصد. ^۷ تورم کنترل شده به دلیل سیاست‌های متمرکز ^۴	در ۲۰۲۳: افزایش ۷ درصدی. انتظار افزایش بیشتر در ۲۰۲۴-۲۰۲۵ به دلیل سقوط ارز. ^۵ نرخ کلی بیش از ۴۰ درصد در ۲۰۲۱-۲۰۲۲ ^۶	تفاوت فاحش: صنعا deflation دارد که قدرت خرید را حفظ می‌کند، اما عدن با تورم بالا (هزینه غذا بیش از ۶۰ درصد درآمد خانواده‌ها) روبرو است.

۱. <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/26/06/2024/yemen-s-economy-faces-mounting-crises-report>

۲. <https://sanaacenter.org/the-yemen-review/april-june25056/2025->

۳. <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/26/06/2024/yemen-s-economy-faces-mounting-crises-report>

۴. <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/26/06/2024/yemen-s-economy-faces-mounting-crises-report>

۵. <https://www.thenewhumanitarian.org/news-feature/05/03/2025/ten-years-yemen-economic-war-raging-more-ever>

۶. <https://bti-project.org/en/reports/country-report/YEM>

۷. <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/26/06/2024/yemen-s-economy-faces-mounting-crises-report>

۸. https://media.odi.org/documents/Impact_of_conflict_on_the_financial_sector_in_Yemen_Jg6sNMp.pdf

ارزش ارز (Yemeni Rial) به (USD)	پایدار در حدود ۵۳۵-۵۳۷ ریال به ازای ۱ دلار در ۲۰۲۵ ^۹	سقوط شدید: از ۱۲۰۰ در اواخر ۲۰۲۲ به ۲۷۴۲ ریال در نیمه ۲۰۲۵ (۳۴ درصد کاهش از ژانویه ۲۰۲۵). ^۹ از ژانویه تا اوت ۲۰۲۴ از ۱۶۱۹ به ۱۹۱۷ رسید. ^{۱۰}	صنعا مدیریت متمرکزتری در حفظ و کنترل نرخ ارز داشته است.
بیکاری (Unemployment)	نرخ کلی یمن حدود ۱۷ درصد در دهه تا ۲۰۲۳. ^{۱۱} هیچ آمار تقسیم‌شده دقیق، اما بیکاری ساختاری بالا به دلیل جنگ.	هیچ آمار تقسیم‌شده دقیق، اما بیکاری ساختاری بالا به دلیل جنگ. مشابه صنعا، اما تشدید شده به دلیل ناآرامی و کاهش خدمات عمومی.	هر دو منطقه بیکاری بالا دارند، اما عدن با اعتراضات ناشی از بحران انرژی (مانند قطع برق ۷۰ درصدی در آوریل ۲۰۲۵) بیشتر آسیب دیده است.
نرخ فقر و کمک انسانی	بیش از ۸۰ درصد جمعیت زیر خط فقر. ^{۱۲} ۱۹.۵ میلیون نفر (شامل صنعا) نیاز به کمک دارند. ^{۱۳} دسترسی به کمک‌ها محدود به دلیل تحریم‌ها.	مشابه، اما تشدید شده با هزینه‌های بالا (غذا) ۶۰ درصد درآمد). ^{۱۴} سازمان ملل برای ۲.۴۷ میلیارد دلار کمک در ۲۰۲۵ برای ۱۰.۵ میلیون نفر. ^{۱۵}	هر دو منطقه فقر شدید دارند (۸۰ درصد کلی)، اما عدن با گرسنگی حادتر (نیمی از جمعیت ناامنی غذایی) روبرو است. صنعا با تحریم‌های نفتی و واردات (کاهش ۳۰ درصدی واردات سوخت در ۲۰۲۵) مواجه است.

۹. <https://sanaacenter.org/the-yemen-review/april-june۲۵۰۵۶/۲۰۲۵->

۱۰. <https://reliefweb.int/report/yemen/yemen-economic-monitor-confronting-escalating-challenges-enar>

۱۱. <https://www.thenewhumanitarian.org/news-feature/۰۵/۰۳/۲۰۲۵/ten-years-yemen-economic-war-raging-more-ever>

۱۲. <https://www.focus-economics.com/countries/yemen/>

۱۳. <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/۲۶/۰۶/۲۰۲۴/yemen-s-economy-faces-mounting-crises-report>

۱۴. <https://www.thenewhumanitarian.org/news-feature/۰۵/۰۳/۲۰۲۵/ten-years-yemen-economic-war-raging-more-ever>

۱۵. <https://www.icrc.org/en/where-we-work/yemen>

۱۶. <https://www.rescue.org/press-release/decade-conflict-yemen-humanitarian-lifeline-brink-warns-irc>

بحران انرژی و واردات	آسیب از حملات هوایی (مانند کارخانه‌های سیمان در ۲۰۲۵)، کاهش واردات سوخت ۳۰ درصدی ^{۱۸}	قطع برق گسترده (۷۰ درصد شهر در آوریل ۲۰۲۵)، کمبود سوخت و گاز (قیمت دو برابر قبل عید ۲۰۲۵) ^{۱۷}	عدن بحران انرژی شدیدتری دارد، در حالی که صنعا با تحریم‌های بین‌المللی روبرو است
----------------------	--	---	---

جدول ۱: مقایسه بین شاخص‌های اقتصادی در دولت نجات ملی به رهبری انصارالله و دولت عدن به رهبری شورای ریاست جمهوری یمن

افکار عمومی در یمن نیز به شدت دوقطبی است. در مناطق شمالی، بسیاری از مردم انصارالله را به دلیل مقاومت در برابر دخالت خارجی، به‌ویژه عربستان، تحسین می‌کنند. در جنوب، دولت عدن به دلیل ناکارآمدی و وابستگی به حامیان خارجی مانند امارات و عربستان، از محبوبیت کمی برخوردار است. اعتراضات خیابانی در عدن به دلیل کمبود خدمات عمومی مانند برق و آب رایج است. گروه‌های جدایی‌طلب جنوبی نیز به دنبال استقلال دوباره جنوب هستند، که این امر تنش‌ها را تشدید کرده است.

روزنامه عدن الغد در سال ۲۰۲۴ یک نظرسنجی محرمانه شش ماهه انجام داد که از مردم در چندین استان یمن، از جمله صنعا و عدن، پرسید: «آیا با وحدت هستی یا جدایی؟». نتایج نشان داد که ۸۳٪ از پاسخ‌دهندگان در کل به وحدت یمن متمایل بودند، در حالی که ۱۷٪ از جدایی حمایت کردند. در پایتخت صنعا، ۱۰۰٪ و در استان صنعا، ۹۰٪ از وحدت حمایت کردند، اما در عدن، ۲۵٪ به جدایی تمایل داشتند. این نظرسنجی، که در پست‌های X گزارش شد، نشان‌دهنده حمایت قوی از وحدت در مناطق تحت کنترل انصارالله و تقسیم بیشتر در جنوب است. این نتایج می‌توانند نشان‌دهنده دیدگاه‌های مقامات دولتی باشند، زیرا موضوع وحدت برای هر دو دولت در صنعا و عدن از اولویت‌های سیاسی است.

با این حال، عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳، یمن و به‌ویژه انصارالله را به عنوان بازیگری کلیدی در معادلات منطقه‌ای مطرح کرد و جایگاه سیاسی و نظامی این گروه را در سطح منطقه ارتقا داد. این تحول، با توجه به دشمنی محور عربی-عبری با انصارالله و حمایت سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران از این جنبش، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر آینده دولت‌سازی در یمن داشته باشد. این وضعیت، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای انصارالله در مسیر ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در مناطق تحت کنترل خود به وجود آورده است که در ادامه موضوع پرداخت این گزارش خواهد بود.

۱۷. <https://sanaacenter.org/the-yemen-review/april-june25056/2025->

۱۸. <https://sanaacenter.org/the-yemen-review/jan-mar24574/2025->

• عملیات طوفان الاقصی و نقش یمن در این عملیات

با آغاز عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس در غزه، انصارالله به سرعت وارد معادلات منطقه‌ای شد و با اعلام همبستگی با فلسطین، حملات هدفمندی را علیه کشتی‌های مرتبط با اسرائیل در دریای سرخ آغاز کرد. این حملات، که با استفاده از موشک‌های بالستیک، پهپادهای پیشرفته و قایق‌های بدون سرنشین انجام شد، دشمن صهیونیستی را به ستوه آورد و تأثیرات قابل توجهی بر تجارت جهانی گذاشت. گزارش‌های بین‌المللی، از جمله گزارش‌های منتشرشده توسط سازمان تجارت جهانی و مؤسسات اقتصادی، نشان می‌دهند که حملات انصارالله به مسیرهای تجاری دریای سرخ باعث افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل از آسیا به اروپا تا چهار برابر شد. بسیاری از شرکت‌های کشتیرانی مجبور شدند مسیرهای خود را به دور آفریقا تغییر دهند، که این امر زمان و هزینه حمل‌ونقل را به شدت افزایش داد. این اقدامات نه تنها قدرت نظامی انصارالله، بلکه تأثیر استراتژیک آن بر اقتصاد جهانی را نشان داد. اما واکنش انصارالله محدود به دریای سرخ نبود. این جنبش، با هدف حمایت از مقاومت فلسطین، گام به گام حملات موشکی و پهپادی خود را علیه اهداف رژیم صهیونیستی تشدید کرد. از جمله این حملات، پرتاب موشک‌های بالستیک و پهپادهای کامیکازه به سمت بندر ایلات، فردوگاه بن‌گوریون، تل‌آویو و دیگر نقاط حساس در سرزمین‌های اشغالی بود.

جنبش انصارالله در برابر اقدامات تهاجمی آمریکا نیز مقاومت موفقیت‌آمیزی از خود نشان داد و توانست مانع از پیشبرد کامل عملیات نظامی این کشورها علیه خود شود. در ۱۵ مارس ۲۰۲۵، به دستور رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، شدت این عملیات‌ها به‌طور چشمگیری افزایش یافت. بر اساس گزارش‌های فرماندهی مرکزی آمریکا (CENTCOM)، بیش از ۸۰۰ هدف انصارالله، شامل مراکز فرماندهی، انبارهای تسلیحاتی، و سامانه‌های پدافند هوایی، مورد حمله قرار گرفتند. با این حال، انصارالله مقاومت سرسختانه‌ای در برابر این تهاجمات نشان داد. گزارش‌های متعدد، از جمله ادعاهای سخنگوی نظامی انصارالله، یحیی سریع، تأیید می‌کنند که این جنبش از نوامبر ۲۰۲۳ تا آوریل ۲۰۲۵ موفق به سرنگونی دست‌کم ۲۲ پهپاد آمریکایی MQ-۹ Reaper شد. این پهپادها، که هر یک حدود ۳۰ میلیون دلار ارزش دارند، در مأموریت‌های شناسایی و تهاجمی در آسمان یمن، به‌ویژه در مناطق صعد و الحیدیه، هدف سامانه‌های پدافندی انصارالله قرار گرفتند. این موفقیت‌ها نه تنها توان دفاعی بالای انصارالله را نشان داد، بلکه باعث شد که آمریکا به آتش‌بس با یمن تن دهد و حملات به مواضع انصارالله را متوقف کند.

این اقدامات در داخل خاک یمن نیز با استقبال مردم یمن مواجه شده است. شبکه خبری المسیره یمن در اوایل ۲۰۲۵ یک نظرسنجی آنلاین در مورد حمایت از عملیات نظامی انصارالله علیه اسرائیل و کشتی‌های غربی در دریای سرخ انجام داد که در پست‌های X بازتاب یافت. این نظرسنجی با

حدود ۱۵,۰۰۰ شرکت‌کننده، عمدتاً از مناطق تحت کنترل انصارالله مانند صنعا، نشان داد که ۷۸٪ از پاسخ‌دهندگان از حملات موشکی و پهپادی این جنبش حمایت می‌کنند و آن را «مقاومت مشروع» می‌دانند. در عدن، مشارکت در این نظرسنجی محدود بود، اما پست‌های مرتبط در X (توییتر) نشان‌دهنده نظرات منفی‌تر نسبت به انصارالله و نگرانی از تأثیر اقتصادی این حملات بر جنوب یمن بودند. این داده‌ها نشان‌دهنده دوگانگی در حمایت از اقدامات نظامی انصارالله و نارضایتی از مدیریت داخلی در صنعا است که احتمالاً در میان کارمندان دولتی نیز وجود دارد.

این اقدامات، نشان‌دهنده توانایی انصارالله در تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و جهانی است. مقاومت این جنبش در برابر ائتلاف غربی، با حمایت معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه انصارالله را به عنوان یکی از اضلاع کلیدی محور مقاومت تقویت کند و تلاش‌های آمریکا و بریتانیا برای مهار کامل این جنبش را ناکام گذاشت. با توجه به احتمال بالای تلاش‌های هماهنگ ایالات متحده، اسرائیل و برخی کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای بازگرداندن آتش جنگ داخلی به یمن و تضعیف دولت نجات ملی به رهبری انصارالله، ضرورت اتخاذ رویکردی فعال و پیش‌قدم در عرصه سیاسی بیش از پیش آشکار شده است. این تلاش‌ها ممکن است شامل حمایت از گروه‌های مخالف، تحریک تنش‌های قبیله‌ای یا حتی زمینه‌سازی برای کودتا علیه دولت نجات ملی باشد.

۲. دشمنان انصارالله: استراتژی‌های چندلایه برای تغییر موازنه

• آمریکا



از زمان روی کار آمدن انصارالله، ایالات متحده با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی، سیاسی و اقتصادی، فشار گسترده‌ای بر جنبش انصارالله در یمن اعمال کرده است. قطعنامه‌های ۲۱۴۰ و ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل، که یمن را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قرار داده‌اند، زیرساخت حقوقی اصلی این فشارها هستند. قطعنامه ۲۱۴۰ رژیم

بازرسی بین‌المللی برای تحریم تسلیحاتی یمن را برقرار کرد و دولت صنعا (تحت کنترل انصارالله) را از مشروعیت حقوقی بین‌المللی محروم نمود، در نتیجه هرگونه اقدام این دولت به عنوان غیرقانونی تلقی می‌شود.

حملات انصارالله یمن در حمایت از فلسطین در دریای سرخ، آمریکا را به واکنش واداشت. در نوامبر ۲۰۲۳، آمریکا حضور نظامی خود را در منطقه تقویت کرد و ناوهای هواپیمابر خود را به خلیج عدن اعزام نمود تا از مسیرهای تجاری محافظت کند. وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم‌هایی علیه شبکه‌های مالی انصارالله و آن‌ها اعمال کرد تا منابع مالی حملات را محدود کند. در ۱۹ ژانویه ۲۰۲۴، آمریکا و بریتانیا اولین حملات هوایی مشترک را با موشک‌های تاماهاوک علیه سایت‌های راداری و موشکی انصارالله در یمن انجام دادند. در فوریه ۲۰۲۴، واشنگتن این جنبش را بار دیگر به فهرست گروه‌های تروریستی اضافه کرد. این اقدام، علاوه بر ایجاد فشار حقوقی، کمک‌های بشردوستانه نهادهای بین‌المللی به مناطق تحت کنترل انصارالله را کاهش داد و به گفته سازمان ملل، فشار بر مردم یمن را تشدید کرد. در ژانویه ۲۰۲۵، با تشدید تنش‌ها در غزه، آمریکا حملات جدیدی را علیه زیرساخت‌های نظامی دولت نجات ملی انجام داد و همزمان نیروهای بیشتری به منطقه اعزام کرد اما این حملات با مقاومت مردم یمن همراه شد و آمریکا را وادار کرد که به آتش بس با انصارالله روی بیاورد. با این حال، آمریکا برای مقابله با انصارالله یمن ناچار است که اقداماتی متنوع‌تر از جنگ نظامی بر علیه این جنبش انجام دهد.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار آمریکا و متحدانش، هدف قرار دادن اقتصاد مناطق تحت کنترل انصارالله بوده است. در ۲۰ مارس ۲۰۲۴، بانک مرکزی یمن (مستقر در عدن از سال ۲۰۱۷ تحت فشار عربستان) فعالیت پنج موسسه مالی، شامل دو بانک و سه صرافی فعال در شمال یمن، را غیرقانونی اعلام کرد. همزمان، شعبه بانک مرکزی در مارب فعالیت ۱۳ صرافی دیگر را ممنوع کرد. اهمیت این تصمیم زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم یمنی‌های شاغل در کشورهای حاشیه خلیج فارس، شمال آفریقا، اروپا و دیگر مناطق، سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار از طریق حواله‌های بانکی و صرافی‌ها به یمن ارسال می‌کنند. این مبلغ نقش حیاتی در کاهش رنج مردم یمن در شرایط جنگ و محاصره دارد. در ۲ آوریل ۲۰۲۴، بانک مرکزی عدن به بانک‌های یمنی ۶۰ روز فرصت داد تا شعب اصلی و مدیریتی خود را به عدن منتقل کنند، در غیر این صورت حساب‌هایشان مسدود و دسترسی آن‌ها به شبکه سوئیفت قطع می‌شود. از آنجا که بیش از ۸۰ درصد نیازهای اساسی یمن از طریق واردات تأمین می‌شود، این اقدام می‌تواند کنترل انصارالله بر بازار شمال یمن را به شدت تضعیف کند و به عنوان حربه‌ای جنگی در اختیار آمریکا و مخالفان انصارالله قرار گیرد.

از منظر امنیتی، ایالات متحده می‌تواند با ایجاد همکاری با عربستان سعودی و امارات متحده عربی،

برای مهار انصارالله تقویت دولت و گروه‌های مخالف دولت نجات ملی یمن را شدت بخشد. این رویکرد شامل آموزش نیروهای نظامی دولت عدن و آغاز مجدد عملیات زمینی مشترک باشد. محاصره اقتصادی و ایجاد قحطی در مناطق تحت کنترل انصارالله نیز می‌تواند به افزایش فشارها کمک کند. محاصره اقتصادی، به‌ویژه قطع دسترسی به شبکه سوئیفت و ممنوعیت فعالیت صرافی‌ها، توانایی انصارالله برای تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، دارو و سوخت را به شدت کاهش داده است.

• اسرائیل



روابط بین انصارالله یمن و اسرائیل از اکتبر ۲۰۲۳، پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی، به شدت تشدید شد. انصارالله در حمایت از فلسطین، حملات موشکی و پهپادی به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل در دریای سرخ و خاک اسرائیل آغاز کرد که تجارت جهانی را مختل نمود و اسرائیل را به واکنش واداشت. از نوامبر ۲۰۲۳، اسرائیل حملات هوایی به مواضع انصارالله در یمن انجام داد، اما اوج تشدید در آگوست و سپتامبر ۲۰۲۵ رخ داد. در ۲۸ آگوست ۲۰۲۵، اسرائیل به صنعا حمله کرد و احمد غالب الرهوی، نخست‌وزیر دولت نجات ملی یمن، به همراه ۱۱ مقام ارشد را ترور کرد که نقطه عطفی در منطقه‌ای شدن درگیری بود. این اقدام با محکومیت شدید رهبر انصارالله همراه شد. در اوت ۲۰۲۵، رهبر انصارالله، سید عبدالملک الحوثی، در واکنش به حمله هوایی اسرائیل به صنعا، که منجر به شهادت نخست‌وزیر و برخی مقامات دولت یمن شد، اسرائیل را «خطری برای امت اسلام» خواند و از ادامه عملیات نظامی علیه اسرائیل خبر داد. واکنش‌های بعدی یمن شامل افزایش حملات پهپادی و موشکی بود که درگیری را به چرخه‌ای از تشدید تبدیل کرد.

استراتژی اسرائیل علیه انصارالله شامل حملات دقیق هوایی و ترور رهبران برای فلج کردن ساختار این گروه است، اما این رویکرد ممکن است به جنگ منطقه‌ای گسترده‌تری منجر شود، به‌ویژه که انصارالله با تقویت توان نظامی خود از طریق تسلیحات پیشرفته، مقاومت بیشتری نشان داده است. اسرائیل ممکن است با همکاری‌های امنیتی پنهانی، امارات و عربستان را با خود همراه کند، زیرا منافع مشترکی در کنترل ایران و انصارالله وجود دارد. این همراهی می‌تواند با کمک‌های لجستیکی آمریکا شکل بگیرد.

• عربستان و امارات



از زمان روی کارآمدن انصارالله، عربستان و امارات در حمایت از دولت منصورهادی و در تقابل غیر مستقیم با ایران اقدام به حمله به مواضع انصارالله کردند. در مارس ۲۰۱۵، عربستان با حملات هوایی گسترده، مانند بمباران فرودگاه صنعا، و امارات با عملیات زمینی در جنوب، به ویژه در عدن، وارد جنگ شدند. این ائتلاف، متشکل از نه کشور، محاصره دریایی یمن را در ژوئن ۲۰۱۵ برقرار کرد و ارسال تسلیحات ایران به انصارالله را مختل نمود. با این حال، انصارالله با موشک‌های بالستیک و پهپادها، از جمله حمله به فرودگاه ابها (اکتبر ۲۰۱۶)، پاسخ داد که ده‌ها زخمی بر جای گذاشت.

تا سال ۲۰۱۸، درگیری‌ها به بحران انسانی عمیقی منجر شد. بمباران‌های ائتلاف، قحطی و آوارگی میلیون‌ها نفر را رقم زد. امارات، با حمایت از شورای انتقالی جنوب (STC)، به دنبال کنترل بنادر استراتژیک بود، اما این امر به رقابت با عربستان منجر شد که وحدت یمن را ترجیح می‌داد. در سپتامبر ۲۰۱۹، حمله پهپادی انصارالله به تأسیسات نفتی آرامکو در ابقیق، ۵۰ درصد تولید نفت عربستان را مختل کرد و سعودی‌ها را به بازنگری استراتژی واداشت.

در ۲۰۲۰-۲۰۲۱، خستگی جنگی با پاندمی کرونا شدت گرفت. سرانجام، در آوریل ۲۰۲۲، آتش‌بس دو ماهه تحت نظارت سازمان ملل با تمدید شش ماهه برقرار شد که پروازهای تجاری را از سر گرفت و حملات را کاهش داد. جنگ تا ۲۰۲۲ بیش از ۳۷۷۰۰۰ کشته و ۴ میلیون آواره به همراه داشت.

آتش‌بس آوریل ۲۰۲۲ شکننده بود و تا اکتبر همان سال منقضی شد. عربستان و امارات بارها این توافق را نقض کردند. در نوامبر ۲۰۲۲، حملات هوایی سعودی به صعده، با هدف بیمارستان‌ها و مدارس، ۱۲ غیرنظامی را کشت. امارات نیز در ژوئیه ۲۰۲۳، از طریق حمایت از شورای انتقالی جنوب در عدن، درگیری‌هایی را علیه دولت هادی دامن زد که به طور غیرمستقیم آتش‌بس را تضعیف کرد. در مارس ۲۰۲۴، ارسال پهپادهای جاسوسی اماراتی به حدیده، حملات انصارالله به دریای سرخ را تحریک کرد. عربستان در ژانویه ۲۰۲۵ حمله‌ای انجام داد که ۸ کشته داشت و مذاکرات صلح را متوقف کرد. با این حال، این نقض صلح منجر به تشدید و شروع دوباره جنگ نشد.

عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳، با حملات حماس به اسرائیل، معادلات را تغییر داد. انصارالله با حملات به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل در دریای سرخ، مذاکرات صلح را متوقف کرد. عربستان، برای حفظ بی‌طرفی و پیشبرد مذاکرات احیای توافق با اسرائیل، حملات هوایی را کاهش داد و پرداخت‌هایی برای امنیت تأسیسات نفتی انجام داد. امارات نیز، با تمرکز بر تجارت، از درگیری مستقیم اجتناب کرد، اما تهدیدهای انصارالله (مانند مارس ۲۰۲۵ علیه ابوظبی) تنش را حفظ کرد. روابط از جنگ تمام‌عیار به آتش‌بس شکننده و دیپلماسی محتاطانه تغییر یافت.

تا سپتامبر ۲۰۲۵، استراتژی عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر مهار غیرمستقیم انصارالله متمرکز شده و از درگیری مستقیم به دیپلماسی و بازدارندگی تغییر یافته است. چهار سناریو برای آینده محتمل است:

نخست، دیپلماسی پایدار از طریق مذاکرات تحت نظارت عمان، با پرداخت‌های مالی سعودی (مانند ۱.۲ میلیارد دلار در ۲۰۲۳)، می‌تواند به صلح دائمی منجر شود، اما این امر به ثبات در غزه وابسته است، زیرا ناآرامی‌های آنجا حملات انصارالله را تشدید می‌کند.

دوم، بازدارندگی بین‌المللی از طریق همکاری با آمریکا و اسرائیل برای رهگیری حملات دریای سرخ، با نقش اطلاعاتی امارات و گشت‌زنی دریایی سعودی، به‌ویژه در صورت افزایش ۳۰ درصدی حملات انصارالله در ۲۰۲۵، محتمل است.

سوم، در صورت ارسال تسلیحات پیشرفته ایرانی، مانند موشک‌های هایپرسونیک به یمن، عربستان ممکن است حملات هوایی را از سر بگیرد و امارات جنوب یمن را اشغال کند، هرچند این سناریو قحطی را تشدید می‌کند و کم‌احتمال است.

چهارم، بن‌بست کنونی با آتش‌بس شکننده و نقض‌های پراکنده ادامه می‌یابد، اما رقابت سعودی-اماراتی مانع هماهنگی می‌شود.

• گروه‌های یمنی مخالف انصارالله



دولت عدن، که به عنوان دولت رسمی یمن با حمایت بین‌المللی شناخته می‌شود (به رهبری عبدربه منصور هادی تا ۲۰۲۲ و سپس شورای رهبری ریاست جمهوری)، یکی از اصلی‌ترین بازیگران مخالف

انصارالله است. این دولت، با پایگاه اصلی در عدن و حمایت گسترده عربستان سعودی، به دلیل فساد گسترده، ناتوانی در ارائه خدمات عمومی و عدم پرداخت حقوق کارکنان، با انتقادات شدیدی روبرو شده و در برابر شورای انتقالی جنوب (STC) و انصارالله تضعیف گردیده است.

جنبش‌های جدایی طلب جنوب یمن، به ویژه شورای انتقالی جنوب (STC)، از زمان تشکیل دولت نجات ملی انصارالله در صنعا (۲۰۱۴) به یکی از کلیدی‌ترین مخالفان انصارالله تبدیل شده‌اند. این جنبش‌ها ریشه در نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی پس از اتحاد یمن در ۱۹۹۰ دارند و از سال ۲۰۰۷ با اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه تبعیض دولت مرکزی آغاز شدند. پس از ۲۰۱۵، با حمایت مالی و نظامی امارات متحده عربی، به گروه‌های مسلح تبدیل گردیدند و در مناطقی مانند عدن، لحج، ابین، ذمار و شبوه فعال‌اند. شورای انتقالی جنوب با تشکیل نیروهای کمربند امنیتی و نخبه (حدود ۹۰ هزار مبارز)، عملاً به یک دولت موازی در جنوب تبدیل شده و در ۲۰۲۰ اعلام خودمختاری کرد که این اقدام، توافق ریاض (۲۰۱۹) را نقض نمود و درگیری‌هایی در ابین و شبوه را تشدید کرد.

از سال ۲۰۱۵، دولت عدن با پشتیبانی نظامی و مالی عربستان سعودی، تلاش کرد تا با عملیات زمینی در مأرب و جوف، نفوذ انصارالله را محدود سازد، اما شکست‌های مکرر (مانند از دست دادن عدن در ۲۰۱۹) و وابستگی به ائتلاف سعودی، آن را به بازیگری ضعیف تبدیل کرده است. این وضعیت تا حد زیادی نتیجه رقابت داخلی میان شورای انتقالی جنوب و دولت عدن است که با حمایت‌های متضاد امارات و عربستان تشدید شده. با این حال، دولت عدن همچنان با عملیات محدود (مانند حملات ۲۰۲۴ به حدیده) و هماهنگی با ائتلاف سعودی، علیه انصارالله عمل می‌کند، هرچند ناتوانی‌اش در کنترل جنوب، شورای انتقالی جنوب را به بازیگر غالب در این منطقه تبدیل نموده است.

علاوه بر این، حزب الإصلاح (که شاخه یمنی اخوان المسلمین است) نیز به عنوان یکی از مخالفان کلیدی انصارالله عمل می‌کند. این حزب سنی محور، که با دولت عدن و ائتلاف سعودی متحد است، از سال‌های اولیه جنگ (۲۰۰۴-۲۰۱۰) در کنار دولت مرکزی علیه انصارالله همکاری داشته انصارالله را به عنوان گروه نیابتی ایران می‌بیند. رابطه الإصلاح با انصارالله تنش‌آمیز و خصمانه است، و این حزب در مناطق تحت کنترل دولت عدن و مأرب فعال است، هرچند رقابت‌های داخلی با شورای انتقالی جنوب و ضعف کلی دولت، نفوذ آن را محدود کرده.

در شبه جزیره عربستان (AQAP) نیز به عنوان یک گروه تروریستی سنی افراطی، مخالف سرسخت انصارالله است القاعده، که عمدتاً در جنوب یمن (مانند ابین و حضرموت) فعالیت دارد، از هرج و مرج جنگ برای گسترش نفوذ خود بهره می‌برد و مستقیماً با انصارالله یمن درگیر شده، هرچند گاهی با شورای انتقالی جنوب یا دولت عدن در برابر انصارالله همکاری تاکتیکی داشته است. با این حال، القاعده دشمن مشترک همه طرف‌ها محسوب می‌شود و افزایش فعالیت‌هایش در جنوب، ضعف

دولت عدن را برجسته می‌کند.

همکاری میان این بازیگران مخالف (شامل شورای انتقالی جنوب، دولت عدن، الإصلاح و حتی همکاری تاکتیکی با القاعده در برخی موارد) با عربستان سعودی و امارات متحده عربی و حمایت ایالات متحده کاملاً مشهود و در حال وقوع است. از ۲۰۱۵، شورای انتقالی جنوب با امارات همکاری نزدیکی داشته و تسلیحات، آموزش و بودجه دریافت کرده، در حالی که دولت عدن به شدت به حمایت عربستان وابسته است. این همکاری‌ها در عملیات‌هایی مانند «نگهبان رفاه» (۲۰۲۴-۲۰۲۵) با آمریکا و بریتانیا علیه حملات دریایی انصارالله در دریای سرخ برجسته است، جایی که شورای انتقالی جنوب علناً از حملات آمریکایی حمایت کرد و پیشنهاد همکاری زمینی داد. با این وجود، تنش‌های داخلی میان شورای انتقالی جنوب و دولت عدن (مانند درگیری‌های ۲۰۲۳ در حضرموت) و رقابت میان عربستان و امارات، این ائتلاف‌ها را شکننده ساخته، اما فشار آمریکا برای عملیات بزرگ‌تر علیه انصارالله، احتمال تقویت آن‌ها را افزایش داده است.

سناریوی ناامن‌سازی و تحریک جنگ داخلی با حمایت خارجی برای کنترل انصارالله همچنان محتمل است، به ویژه با توجه به افزایش فعالیت القاعده در جنوب، ضعف دولت عدن و رقابت‌های داخلی. این استراتژی‌ها، که اغلب با هدایت آمریکا و اسرائیل پیش می‌روند، می‌تواند یمن را به سمت تجزیه کامل سوق دهد. در این میان، شورای انتقالی جنوب و دولت عدن به دلیل وابستگی شدید به حامیان خارجی، استقلال واقعی ندارند، در حالی که انصارالله با حملات دریایی و موشکی، همچنان توانایی پاسخگویی مؤثری دارد.

۳. ایران و نظام سیاسی یمن: استمرار وضع موجود یا تغییر رویه

جمهوری اسلامی ایران از معدود کشورهایی بود که از آغاز تشکیل دولت نجات ملی به رهبری انصارالله در یمن، روابط نزدیکی با این جنبش برقرار کرد. تأثیر اندیشه‌های انقلابی امام خمینی (ره) در شکل‌گیری جنبش انصارالله و نزدیکی سیاسی-اعتقادی این گروه به انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌ساز ایجاد رابطه‌ای راهبردی بین دو طرف شد. انصارالله از همان ابتدا به عنوان یکی از اعضای کلیدی محور مقاومت، که با الهام از گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته، به ایران نزدیک شد. تهران، از روزهای نخست، با انتصاب سفیر در صنعا و برقراری روابط دیپلماتیک رسمی، حمایت قاطعی از دولت نجات ملی به عنوان دولت قانونی یمن نشان داد. ایران تنها کشوری است که شورای عالی سیاسی انصارالله را به رسمیت شناخته و روابط دیپلماتیک پایداری با این جنبش حفظ کرده است. با این حال، جمهوری اسلامی با وجود موفقیت‌های قابل توجه در ارائه کمک‌های نظامی و مستشاری به انصارالله، در عرصه سیاسی با چالش‌هایی برای گسترش همکاری با دولت نجات ملی مواجه بوده است.

یکی از چالش‌های اصلی در روابط ایران با پرونده یمن این است که در کشور، این پرونده عمدتاً از منظر نظامی و استراتژیک نگریسته می‌شود. پس از خیزش‌های بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و تضعیف دولت منصور هادی، جنبش انصارالله با تسلط بر صعدة و گسترش نفوذ خود به صنعاء در سال ۲۰۱۴، به بازیگری کلیدی در صحنه سیاسی و نظامی یمن تبدیل شد. در این دوره، جمهوری اسلامی ایران حمایت خود از انصارالله را از طریق نیروی قدس سپاه پاسداران تقویت کرد. این حمایت شامل ارائه آموزش‌های نظامی، انتقال فناوری‌های موشکی و پهپادی، و ارائه مشاوره‌های استراتژیک بود.

برخلاف حمایت از گروه‌هایی مانند حزب الله لبنان یا گروه‌های مقاومت عراق، حمایت از انصارالله فاقد ابعاد سیاسی، اقتصادی یا بشردوستانه بود. انصارالله هیچ‌گاه به خط قرمزی در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های جهانی یا کشورهای همسایه تبدیل نشد. به‌ویژه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم (۱۳۹۲-۱۴۰۰)، ایران در راستای بهبود روابط کلان‌تر با ایالات متحده و عربستان سعودی، از تقویت پیوند استراتژیک با انصارالله چشم‌پوشی کرد.

در این میان، ماجرای کشتی «ایران شاهد» در بهار ۲۰۱۵ رخ داد. این کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه و تجهیزات پزشکی برای یمن بود، اما در مسیر خود در خلیج عدن با تهدید نیروی دریایی عربستان و فشارهای بین‌المللی مواجه شد. محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه، اعلام کرد که طبق مذاکرات با جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا، دستور بازگشت این کشتی صادر شده است. بر اساس گزارش‌ها، کری در تماس با ظریف اعلام کرد که آمریکا نمی‌تواند امنیت کشتی را در برابر حملات احتمالی تضمین کند، اما در صورت بازگشت، از تنش جلوگیری خواهد شد. ظریف برای جلوگیری از درگیری نظامی و تشدید بحران، دستور بازگشت کشتی را داد.

پس از توافق پکن در مارس ۲۰۲۳ میان ایران و عربستان سعودی، که به عادی‌سازی روابط دو کشور انجامید، ایران حمایت سیاسی آشکاری برای حل بحران و اختلافات داخلی یمن به نفع انصارالله نشان نداده است. این امر تا حدی به دلیل ملاحظات دیپلماتیک برای حفظ روابط بهبودیافته با ریاض و ابوظبی بود. پس از عملیات طوفان الاقصی نیز، گروه انصارالله در آماج حملات محور متخاصم عربی-عربی قرار گرفته و فشارها بر این جنبش تشدید شده است، با این وجود، انصارالله توانسته با تهدیدات به خوبی مقابله کند.

تکیه صرف بر کمک‌های پنهانی و مستشاری به انصارالله، هرچند مؤثر بوده اما نمی‌تواند به‌تنهایی پاسخگوی چالش‌های پیچیده سیاسی و دیپلماتیک کنونی باشد. در سایه تنش‌های فزاینده میان ایران و اسرائیل، حمایت نظامی آمریکا از اسرائیل علیه ایران، سکوت یا همراهی کشورهای عربی با حملات به ایران و محکومیت حمله ایران به پایگاه العدید توسط این کشورها، معادلات سیاسی منطقه دستخوش تحولات عمیقی شده است. روابط راهبردی امارات با اسرائیل، احتمال عادی‌سازی روابط

عربستان با اسرائیل و گسترش پیمان ابراهیم به کشورهایمانند سوریه و احتمالاً لبنان و عمان، همراه با توافقات کریدور آیمک (که هند، امارات، عربستان، و اردن را به اسرائیل و اروپا متصل می‌کند)، ضرورت تقویت جایگاه انصارالله به عنوان یک دولت تأثیرگذار منطقه‌ای را بیش از پیش آشکار می‌سازد. این امر نه تنها به حفظ استقلال یمن کمک می‌کند، بلکه انصارالله را به عنوان بازیگری کلیدی و اثرگذار در معادلات منطقه‌ای مطرح خواهد کرد. یمن از منظر راهبردی برای ایران جایگاهی ویژه دارد و نباید صرفاً به عنوان اهرمی برای توازن در روابط با عربستان یا امارات تلقی شود. عربستان سعودی با تلاش برای خلع سلاح حزب الله نشان داده که توافق پکن را صرفاً ابزاری برای مهار و خنثی سازی تهدید ایران می‌بیند و از هیچ اقدامی برای تضعیف سیاست‌های منطقه‌ای ایران دریغ نمی‌کند. بنابراین، نباید برای حفظ روابط با این کشور، انصارالله یمن تحت فشار قرار گیرد. از سوی دیگر، امارات متحده عربی نیز با برقراری روابط استراتژیک با اسرائیل و تلاش برای حذف حماس از معادلات سیاسی فلسطین در دوران پس از آتش بس، نمی‌تواند همسایه‌ای صادق و قابل اعتماد برای ایران باشد.

۴. همکاری ایران و چین در یمن؛ گامی برای تاسیس ژئوپلیتیک آینده منطقه

یمن باید در چارچوب شکاف راهبردی میان آمریکا و چین تعریف شده و به عنوان متحد ایران، با حمایت مؤثر و نقش‌آفرینی فعال تهران، در محور مقاومت ایفای نقش کند. باید از طریق دیپلماسی فعال، اهمیت این رابطه به طرف چینی تبیین شود تا یمن به عنوان یک بازیگر کلیدی در معادلات منطقه‌ای، جایگاهی ویژه در همکاری‌های راهبردی با چین پیدا کند. به طور کلی، پس از تحولات اخیر منطقه‌ای و جنگ‌های جاری، به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران توانسته است توانایی‌های نظامی خود برای مقابله با آمریکا و مقاومت در برابر این کشور و متحدانش را به چین نشان بدهد. کشورهای عربی مانند عربستان و امارات و حتی روسیه، به دلیل وابستگی‌هایشان به ایالات متحده، نمی‌توانند به طور کامل به عنوان شرکای استراتژیک چین عمل کنند. در این میان، مسیرهای تجاری و استراتژیک رقیب، مانند کریدور آیمک که از هند آغاز شده و از طریق امارات، عربستان سعودی، اردن و اسرائیل به اروپا می‌رسد، می‌تواند نفوذ اقتصادی و سیاسی چین را در منطقه به چالش بکشد. ترکیه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و سیاست خارجی چندجانبه خود، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در روابط ایران و چین مطرح شود، به ویژه با توجه به تهدیدات‌هایی که برای چین در منطقه ایجاد می‌کند. یکی از نگرانی‌های اصلی چین، احتمال بی‌ثباتی در منطقه به دلیل تحولات سیاسی، به ویژه در صورت تضعیف یا سقوط جمهوری اسلامی ایران است. چنین سناریویی می‌تواند به گسترش گروه‌های سلفی و افراطی در نزدیکی مرزهای چین، به ویژه در مناطق آسیای مرکزی، منجر شود. این موضوع برای چین که با مسائل امنیتی در منطقه سین کیانگ مواجه است، یک تهدید

جدی به شمار می‌رود. از سوی دیگر، همکاری احتمالی ترکیه با «مسیر صلح و شکوفایی بین‌المللی ترامپ (TRIPP)» در قفقاز، می‌تواند نفوذ ترکیه و به‌طور غیرمستقیم ناتو و ایالات متحده را در منطقه افزایش دهد. با توجه به نقش نزدیکی مجدد و احتمالی آنکارا به آمریکا و ناتو، احتمال دارد ترکیه در آینده به سمتی حرکت کند که روابطش با چین تحت تأثیر قرار گیرد. چنین تحولی می‌تواند روابط ترکیه با چین را محدود کرده و فرصت را برای ایران فراهم کند تا به‌عنوان شریکی استراتژیک‌تر برای چین مطرح شود. در چنین شرایطی، ایران می‌تواند با استفاده از موقعیت استراتژیک خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و نزدیکی به یمن و دریای سرخ، مسیری برای دسترسی چین به مصر و آفریقا فراهم کند.

ضرورت دولت‌سازی در یمن به وسیله چین و جمهوری اسلامی ایران

نخستین گام برای تحقق ثبات در یمن، تلاش برای تشکیل دولتی به رهبری انصارالله با پایتختی صنعا است. دولت مستقر در عدن به دلیل اختلافات داخلی، ضعف‌های ساختاری، فساد مالی، مشکلات مالی و وابستگی بیش‌ازحد به عربستان سعودی و امارات متحده عربی و ناکارآمدی نظامی در برابر حملات احتمالی انصارالله شکننده است و ممکن است کنترل مناطق تحت تصرف خود را از دست بدهد.

چین، با توجه به روابط نزدیک خود با عربستان سعودی و امارات متحده عربی و انصارالله و ایران، می‌تواند نقش محوری در تقویت جایگاه انصارالله در یمن ایفا کند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با جلب موافقت چین برای میانجی‌گری میان انصارالله، عربستان سعودی و امارات، گامی کلیدی در راستای تشکیل دولت یکپارچه یمن به رهبری انصارالله بردارد. در چارچوب یک توافق غیرمستقیم با حضور ایران، چین، انصارالله و عربستان، انصارالله می‌تواند با انعقاد پیمانی امنیتی با عربستان، تضمین‌هایی برای عدم حمله متقابل ارائه دهد. همچنین، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری راهبردی برای عربستان و چین در بنادر یمن می‌تواند نگرانی‌های امنیتی عربستان نسبت به انصارالله را کاهش دهد و دو طرف را به سوی آتش‌بس پایدار و صلح واقعی هدایت کند.

سناریوهای استراتژیک جدید و نقش جمهوری اسلامی

پس از حل مسئله دولت در یمن، ایران می‌تواند به‌عنوان ابزار اصلی چین در منطقه عمل کرده و محور جدیدی شامل چین، پاکستان، صنعا، مصر به سمت آفریقا ایجاد کند. چالش‌های اقتصادی و ضعف در حکمرانی، فشارهای اسرائیل و ایالات متحده برای پذیرش آوارگان فلسطینی، وابستگی مصر به منابع گازی اسرائیل و اظهارات نتانیاهو درباره تأسیس «اسرائیل بزرگ» فرصت‌هایی را برای ایران ایجاد کرده تا با میانجی‌گری چین روابط خود با مصر را بهبود بخشد و مسیر نفوذ چین به آفریقا را

هموارتر کند. ایران باید از تجربه مذاکرات پکن با عربستان درس بگیرد و اهرم‌های منطقه‌ای خود را فدای روابط مسالمت‌آمیز اما غیرمؤثر با کشورهای منطقه نکند. حمایت ایران از ارتش سودان به رهبری ژنرال عبدالفتاح برهان در جریان جنگ داخلی اخیر، با وجود ظرفیت‌های محدود این کشور و نزدیکی نسبی برهان به روسیه، نیز می‌تواند در این معادله نقش داشته باشد.

با این حال، موفقیت این استراتژی به توانایی ایران در مدیریت تنش‌های دیپلماتیک با کشورهای عربی و همچنین جلب اعتماد چین برای سرمایه‌گذاری در این محور بستگی دارد. ایران، با تکیه بر روابط راهبردی خود با انصارالله و حمایت قاطع از دولت نجات ملی، می‌تواند این جنبش را به عنوان یک نیروی کلیدی در دریای سرخ و خلیج عدن تقویت کند، که این امر نه تنها به حفظ استقلال یمن کمک می‌کند، بلکه جایگاه ایران را در معادلات جهانی ارتقا می‌دهد.

راهبردهای پیشنهادی ایران در یمن

برای بازتعریف سیاست‌های ایران در یمن و تبدیل این کشور به یک اهرم استراتژیک، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

تقویت روابط دیپلماتیک انصارالله

• **بازدید مقامات سیاسی عالی‌رتبه ایرانی از صنعا:** این اقدام می‌تواند پیامی قاطع به محور غربی-عبری-عربی مبنی بر حمایت ایران از دولت نجات ملی ارسال کند. این سفر، هرچند با مخاطراتی همراه باشد، نشان‌دهنده موضع اقتدار ایران در تعاملات منطقه‌ای است. سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر امور خارجه و نمایندگان مقام معظم رهبری در شورای دفاع (آقای علی‌اکبر احمدیان و آقای علی شمخانی) به یمن برای مذاکره و دیدار با رهبران انصارالله گامی مهم در افزایش وزن سیاسی انصارالله تلقی می‌شود.

• **میانجی‌گری در حل مسئله دولت در یمن:** چین با روابط نزدیک به انصارالله، ایران، عربستان و امارات می‌تواند میانجی‌گری مؤثری برای حل بحران یمن انجام دهد. ایران با حمایت چین می‌تواند مذاکرات غیرمستقیمی بین انصارالله، عربستان و امارات برای تشکیل دولت یکپارچه به رهبری انصارالله تسهیل کند. انصارالله با پیمان امنیتی با عربستان، تضمین عدم حمله متقابل می‌دهد و سرمایه‌گذاری چین و عربستان در بنادر یمن، نگرانی‌های امنیتی را کاهش داده و به آتش‌بس پایدار منجر می‌شود.

• **ارتقای روابط رسمی:** تقویت سفارت ایران در صنعا و گسترش تعاملات دیپلماتیک برای جلب حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی از دولت نجات ملی یمن ضروری است. عمان، با تجربه میانجی‌گری در مذاکرات یمن، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش تنش‌ها و تقویت جایگاه انصارالله ایفا کند.

• **دیپلماسی فعال با مصر:** این امر می‌تواند مسیری امن برای تجارت چین به آفریقا از طریق یمن ایجاد کند و جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای پررنگ نماید.

تقویت همکاری‌های استراتژیک با چین و عربستان و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی یمن

• **جلب سرمایه‌گذاری عربستانی با محوریت الگوی توسعه ایرانی-چینی:** جلب سرمایه‌گذاری عربستان با محوریت الگوی توسعه ایرانی-چینی می‌تواند راهکاری استراتژیک برای کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات اقتصادی در یمن باشد. ایران با بهره‌گیری از تجربه همکاری‌های اقتصادی موفق خود با چین، مانند پروژه‌های زیرساختی در چارچوب ابتکار کمربند و جاده، می‌تواند الگویی برای همکاری‌های چندجانبه ارائه دهد. انصارالله، به عنوان نیروی حاکم در بخش‌هایی از یمن، می‌تواند با میانجی‌گری ایران و چین، عربستان را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کلیدی مانند بازسازی بنادر، توسعه زیرساخت‌های انرژی و ایجاد مناطق تجاری مشترک ترغیب کند. این همکاری نه تنها نگرانی‌های امنیتی عربستان را کاهش می‌دهد، بلکه با ایجاد منافع اقتصادی متقابل، زمینه‌ساز صلح پایدار و توسعه اقتصادی در یمن می‌شود. چین با نفوذ دیپلماتیک و اقتصادی خود می‌تواند به عنوان ضامن این توافقات عمل کند و اعتماد طرفین را جلب نماید.

• **ایجاد محور استراتژیک:** محور چین-پاکستان-ایران-یمن-مصر-آفریقا برای تقویت دسترسی چین به بازارهای آفریقا و دریای مدیترانه توسعه یابد. این محور به عنوان مسیری برای مقابله با کریدور آیمک عمل می‌کند و نفوذ اقتصادی و سیاسی محور غربی-عبری-عربی را کاهش می‌دهد.

تقویت مضاعف حمایت نظامی و مستشاری از انصارالله

• **تقویت توان دفاعی:** گسترش کمک‌های نظامی و مستشاری به انصارالله برای ارتقای سامانه‌های پدافندی، موشکی و پهپادی، این جنبش را در برابر حملات ائتلاف غربی-عبری-عربی مقاوم‌تر می‌کند.

• **آموزش و انتقال فناوری:** آموزش‌های پیشرفته و انتقال فناوری‌های بومی به انصارالله، توان جنگ نامتقارن این جنبش را تقویت می‌کند. موفقیت‌های انصارالله در سرنگونی پهپادهای آمریکایی، پتانسیل بالای آن را نشان می‌دهد.

• **توسعه توان دریایی:** تقویت توان دریایی انصارالله در خلیج عدن و دریای سرخ برای مقابله با تهدیدات ائتلاف غربی و حفظ کنترل بر تنگه باب‌المندب. این امر می‌تواند از طریق تأمین قایق‌های بدون سرنشین و موشک‌های کروز ضدکشتی انجام شود.

مقابله با انزوای بین‌المللی یمن

• **دیپلماسی عمومی:** راه اندازی کمپین های رسانه ای و دیپلماتیک برای تبیین مشروعیت دولت نجات ملی و محکومیت تحریم های غیرانسانی علیه یمن. این کمپین ها می توانند از طریق گروه های غیردولتی چون جمعیت امت واحد با همکاری سایر گروه ها، جنبش ها و سمن های آزادی خواهانه سایر کشورهای جهان اجرا شوند.

• **افزایش ارتباطات بین المللی:** حمایت از افزایش پروازهای بین المللی از فرودگاه صنعا و ایجاد مسیرهای تجاری جدید با همکاری چین و عمان برای کاهش انزوای یمن. این امر می تواند شامل مذاکره برای افزایش پروازهای هفتگی به مقاصد جدید مانند پکن یا مسقط باشد.

نتایج سیاستهای پیشنهادی گزارش :

• **تقویت جایگاه انصارالله:** تبدیل دولت نجات ملی به یک بازیگر کلیدی در معادلات منطقه ای و جهانی با حمایت ایران و چین.

• **تقویت وزن منطقه ای ایران:** تقویت جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای در برابر محور غربی-عبری از طریق همکاری با انصارالله و چین.

• **کاهش فشارهای اقتصادی و نظامی:** ایجاد محور استراتژیک جدید با چین و متحدان منطقه ای برای کاهش اثرات تحریم ها و فشارهای نظامی بر ایران و یمن.

• **تثبیت مسیرهای تجاری جایگزین:** ایجاد مسیری امن و پایدار برای دسترسی چین به آفریقا و دریای مدیترانه از طریق یمن، با حمایت ایران.

• **ارتقای اقتصاد یمن:** بازسازی زیرساخت های یمن و جذب سرمایه گذاری خارجی برای تبدیل این کشور به یک هاب تجاری و اقتصادی در منطقه.

نتیجه‌گیری

یمن، به دلیل موقعیت استراتژیک خود در تنگه باب‌المندب و نقش کلیدی جنبش انصارالله در محور مقاومت، یکی از معدود فرصت‌های ایران برای بازتعریف معادلات ژئوپلیتیکی منطقه و خلق آینده‌ای مستقل در برابر هژمونی محور غربی-عبری-عربی است. در شرایطی که منطقه غرب آسیا پس از عملیات طوفان الاقصی و تشدید تقابل بین محور مقاومت و ائتلاف آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی به نقطه‌ای سرنوشت‌ساز رسیده، یمن به‌عنوان یک میدان راهبردی برای ایران برجسته شده است. انصارالله با نمایش قدرت نظامی از طریق حملات موشکی و پهپادی در دریای سرخ و مقاومت در برابر حملات آمریکا و اسرائیل، توانایی خود را به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای اثبات کرده است. این موقعیت، ایران را در جایگاهی قرار می‌دهد که می‌تواند با تقویت انصارالله و همکاری استراتژیک با چین، نه تنها نفوذ دشمنان را خنثی کند، بلکه یمن را به هابی تجاری و سیاسی در منطقه تبدیل نماید. این رویکرد، در چارچوب رقابت جهانی چین و آمریکا، که به تبع آن رقابت ایران با آمریکا محسوب می‌شود، فرصتی منحصربه‌فرد برای ایران فراهم می‌کند تا سیاست‌های منطقه‌ای خود را بازتعریف کند.

رقابت چین و آمریکا در منطقه، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و تجاری، به ایران این امکان را می‌دهد تا با استفاده از روابط راهبردی خود با چین، یمن را به‌عنوان یک اهرم استراتژیک در برابر کریدور آیمک (هند-امارات-عربستان-اردن-اسرائیل-اروپا) تقویت کند. کریدور آیمک، که با حمایت آمریکا و اسرائیل شکل گرفته، به دنبال کاهش نفوذ چین در مسیرهای تجاری منطقه و محدود کردن دسترسی این کشور به آفریقا و مدیترانه است. در مقابل، ایران می‌تواند با ایجاد محور استراتژیک چین-پاکستان-ایران-یمن-مصر-آفریقا، که یمن و بندر الحدیده در آن نقشی محوری دارند، مسیر تجاری جایگزینی برای چین ایجاد کند. این محور نه تنها دسترسی چین به بازارهای آفریقا را تضمین می‌کند، بلکه با جذب سرمایه‌گذاری‌های چینی و حتی سعودی در بازسازی زیرساخت‌های یمن، مانند بنادر، جاده‌ها و شبکه‌های انرژی، اقتصاد این کشور را از بحران کنونی نجات می‌دهد. چنین همکاری‌ای، با کاهش نگرانی‌های امنیتی عربستان از طریق پیمان‌های امنیتی با انصارالله، می‌تواند به آتش بس پایدار و صلح منطقه‌ای منجر شود.

این استراتژی برای ایران از این جهت حیاتی است که یمن، به‌عنوان یکی از معدود پایگاه‌های باقی‌مانده محور مقاومت، می‌تواند پاشنه آشیل یا نقطه قوت این محور باشد. در حالی که حزب‌الله لبنان با فشارهای خلع سلاح و گروه‌های مقاومت عراق با تهدیدات ترور مواجه‌اند، و سوریه پس از سقوط دولت بشار اسد در وضعیت بی‌ثباتی قرار دارد، یمن به دلیل موقعیت جغرافیایی و توان نظامی انصارالله، فرصتی بی‌نظیر برای ایران فراهم می‌کند. حمایت ایران از انصارالله، از طریق تقویت توان

نظامی، انتقال فناوری‌های پیشرفته موشکی و پهپادی، و دیپلماسی فعال برای تبیین مشروعیت دولت نجات ملی، می‌تواند این جنبش را به یک دولت یکپارچه و مقتدر تبدیل کند. این امر نه تنها فشارهای اقتصادی و نظامی بر ایران را کاهش می‌دهد، بلکه با ایجاد یک متحد قدرتمند در جنوب شبه جزیره عربستان، توازن قوا را به نفع محور مقاومت تغییر می‌دهد.

همکاری با چین در این چارچوب، به دلیل انگیزه‌های این کشور برای مقابله با نفوذ آمریکا و تضمین امنیت مسیرهای تجاری خود، منطقی و شدنی است. چین، که با نگرانی از بی‌ثباتی منطقه‌ای و گسترش گروه‌های افراطی در نزدیکی مرزهایش مواجه است، می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در یمن و میانجی‌گری در مذاکرات بین انصارالله، عربستان و امارات، به ثبات منطقه‌ای کمک کند. این همکاری، ضمن تقویت جایگاه ایران به عنوان شریک استراتژیک چین، به کشورهای منطقه مانند مصر و سودان نیز سود می‌رساند، زیرا مسیر تجاری جدید از طریق یمن، دسترسی آن‌ها به بازارهای جهانی را تسهیل می‌کند. برای مثال، بهبود روابط ایران و مصر با میانجی‌گری چین می‌تواند مصر را از وابستگی به منابع گازی اسرائیل رها کرده و جایگاه این کشور را در معادلات منطقه‌ای تقویت کند.

در نهایت، تبدیل یمن به یک پایگاه استراتژیک برای ایران و چین، نه تنها محور مقاومت را در برابر فشارهای فزاینده آمریکا، اسرائیل و متحدان عربی آن‌ها مقاوم‌تر می‌کند، بلکه به ایران امکان می‌دهد تا در رقابت‌های جهانی، نقشی فعال‌تر ایفا کند. این رویکرد نیازمند دیپلماسی فعال، از جمله سفر مقامات ارشد ایرانی به صنعا، تقویت سفارت ایران در یمن، و راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای برای محکومیت تحریم‌های غیرانسانی علیه یمن است. با اجرای این استراتژی، یمن از یک نقطه ضعف بالقوه به یک فرصت بی‌نظیر برای ایران و محور مقاومت تبدیل می‌شود، که می‌تواند آینده منطقه را به نفع کشورهای مستقل و در برابر هژمونی غرب بازسازی کند. این آخرین دریچه تنفس ایران برای خلق آینده‌ای جدید در منطقه است، که با همکاری چین و تقویت انصارالله، نه تنها یمن، بلکه کل منطقه را به سمت ثبات و توسعه هدایت خواهد کرد.